

مکتبہ نظامیہ اسلامیہ
 حسین خاں، برہنہ

در منطق اسلام اصلاح جامعه با اصلاح واحدهای جامعه و از آن جمله خانواده‌ها و در مرحله نخست اصلاح فرد فرد جامعه مورد نظر می‌باشد.

اصلاح فرد فرد جامعه نیز بیکس از سه طریق زیر امکان پذیر است.

۱- از طریق پدر و مادرها و یاکسانیکه نقش آنها را در سطح خانواده ایفا می‌کنند.

۲- از طریق سازمانهای آموزشی و پرورشی و فرهنگی بمعنای عام خود توسط معلم و دبیر و آموزگار و استاد و در سطح جامعه.

۳- از طریق خود شخص بطوریکه هر شخص، واعظ خویش باشد و طیب و مصلح خود، زیرا هر انسانی بیش از هر کس دیگری می‌تواند بدردهای درونی خود و نیازهای خود و جامعه آگاه گردد چنانکه قرآن میفرماید:

« بل الانسان علی نفسه بصیرة » (سوره قیامت آیه ۱۴).

طرق نامبرده هرگز بایکدیگر نه تنها ضدیت نداشته می‌تواند در آن واحد هم آهنگ با یکدیگر عرض اندام کنند و تأثیر خود را بیخشند بلکه لازمست برای نتیجه گیری زودتر، باهم خودنمایی کرده بکمک هم دیگر، جامعه‌ای پویا و فعال و متحرک و سازنده مناسبات عادلانه، بسازند و در همه این طریق‌ها آگاهی و رشد فکری و عملی می‌تواند بسیار مؤثر باشد بخصوص طریق اخیر.

اسلام با دستورات خود در مورد طرق-

اصلاح
 جامعه

از طریق

اصلاح خود

مسئولیت، بسیار سنگین تر می گردد و شدت عمل بیشتری از لحاظ کیفی برای او در نظر گرفته می شود.

از این جهت است که اسلام محاسبه بانفس را، یکی از لوازم ایمانی هر فردی می داند، ایمان یعنی آگاهی بقدرت مطلق آفریدگار جهان است و معلوم است هر چه ایمان بیشتر آگاهی بیشتر و در نتیجه تکلیف سنگین تر و مسئولیت خودسازی و انتقاد از خود زیادتر است.

پیامبر گرامی اسلام فرمود: لایکون العبد مؤمناً حتی یعاسب نفسه اشد محاسبه الشریک شریکه...» (۳)

: «هیچ بنده ای، مومن واقعی نیست مگر اینکه محاسبه بانفس خویش کرده و شدیدتر از محاسبه شخصی با شریک خود بحسابش رسیدگی کند».

* * *

از مطالب گذشته و از روایات وارد در این باب این نتیجه بدست آمد که محاسبه بانفس برای بیداری و تنبه و توجه باعمال و اساس مسئولیت و تصمیم برای آینده و اصلاح اعمال و در نتیجه فرد و جامعه می باشد.

ولکن باین نکته نیز باید توجه داشت که این اصلاح نه تنها در رابطه با این مرحله از زندگی کنونی ما مورد نیاز می باشد بلکه در رابطه با حیات بعد از مرگ و زندگی ابدی ما

بالا می خواهد انسانها را رشد داده بمرحله آشنائی از حالات نفس و طیب بودن خود و تشخیص درد خویشتن و مداوای آن برساند، یکی از بزرگترین اهداف و آرمانهایی است که اسلام آنرا در قوانین و دستورات خود مراعات نموده است.

امام صادق (ع) فرمود: تو طیب نفس خود قرارداداده شده ای باید تشخیص دهی درد تو و سلامتی تو در چیست؟ تا خود را دلالت و راهنمایی بدرمان آن بنمائی، پس متوجه باش که چگونه باید بر نفس خود مسلط شده، بدرمان دردهایت بپرداز (۱).

واضح است هر چه رشد و آگاهی انسان بیشتر باشد تکلیف و مسئولیت او در قبال ساختن خود و کسب مقام طیب بودنش نیز بیشتر است. از اینرو در برخی از روایات وارد است که انسان قبل از رسیدن بسن چهل سالگی که قله تکاملی هراستانی بشمار میرود در مقابل گناهان زود تر می تواند خود را خلاص کند و اما بعد از چهل سالگی اگر گناهی انجام دهد تکلیف او سنگین تر بوده، گناهانش دیرتر بخشوده می شود (۲) زیرا قبل از چهل سالگی تکلیف و مسئولیت او در رابطه با جوشش غرائز جنسی و عدم رشد عقلی عمل می کند چنانچه بعد از چهل سالگی و رشد عقلی، تکلیف او نیز در مقابل عصیان و گناه و عدم احساس

(۱) «قال ابو عبدالله (ع) لرجل انك قد جعلت طيب نفسك وبين لك الدواء و

عرفت اية الصحة و دللت على الدواء فانظر كيف قيامك على نفسك» (وافی ج ۳ - ۶۳)

(۳) بحار ج ۷۰ ص ۷۲

(۲) وافی ج ۳ ر ۶۳

باعمل بدانجام داده است و آن در جلو چشم او مجسم شده توجه بآن می‌کند و مضار آن را در نظر می‌گیرد زیرا عقل انسان حین عمل گناه غالباً متوجه بدی آن نمی‌شود و لکن بعد از عمل و گذشتن مدتی از آن چه بسا سبب توبه فراهم می‌شود و متوجه بدی آن می‌شود.

امیر المؤمنین (ع) مثل روانکاوای حالات انسان را در این دنیا تجزیه و تحلیل می‌کند و آنرا به سه ساعت سازنده و خلاق و مفید تقسیم می‌کند و آنها را منشأ آثار خوب و بد می‌داند و در روایتی خطاب بفرزندش امام - حسن (ع) چنین می‌فرمود:

«ای فرزندم برای مؤمن سه ساعت است ساعتی که با خدای خود مناجات می‌کند و ساعتی که بحساب اعمال خود می‌رسد و ساعتی که بلذات حلال دنیا می‌پردازد و برای هر مؤمن هیچ گریزی نیست از اینکه در یکی از سه مرحله مشخص قرار بگیرد: یا برای تأمین معاش خود کوشش کند و یا گامی بسوی سرای دیگر بردارد و یا بلذت حلال بپردازد» (۵)

اسلام به زندگی این دنیا اصالتی قائل نشده است یعنی خداوند انسان‌ها را تنها برای زندگی و گذران این دنیا خلق نکرده است بلکه این از نظر قانون عمومی تکامل موجودات پللی است برای رسیدن بدنیای دیگر و معبری است برای رسیدن بزندگی دیگری که نیاز بوسائل و اوضاع و حالات خاص

مورد احتیاج است از این جهت در روایات کثیری این رابطه بطور وضوح ذکر شده است مثل این روایت: ... «فحاسبوا انفسکم قبل ان تعاسبوا علیہا فان للقیامه خمسين موقفاً...» (۴) یعنی با اعمال خود، در دنیا رسیدگی کنید قبل از اینکه در دنیای دیگر بحساب اعمال شما رسیدگی نمایند زیرا در قیامت پنجاه موقف وجود دارد که باید در آنجا بحساب هار رسیدگی شود.

در این روایت اولاً خطاب (فحاسبوا) بجمیع افراد بوده همه در مقابل این تکلیف موظف هستند و ثانیاً این وظیفه در رابطه با زندگی بعد از حیات انجام می‌گیرد و توجه باین رابطه در کنترل اعمال انسان بسیار مؤثر است چنانکه این مسأله فطری است که اگر انسانی وحسابگر و مدیر و یا کارگر و یا هر کس - دیگری که بنحوی از انحاء مسئولیتی را قبول کرده است اگر بدانند دقیقاً بکار او رسیدگی خواهد شد مسلماً دقت در کار می‌کنند و با حوصله و با توجه به پیامدهای آن، کار را بدرستی انجام می‌دهند و طبعاً اگر امور مالی باشد از حیث و میل جلوگیری می‌شود و در واقع عمل هر انسانی در حین محاسبه از خود، از دوشق خالی نیست.. باعمل خوب انجام داده آنرا یادآوری می‌کند در این صورت خداوند توفیق بیشتری در عمل باو می‌دهد زیرا خود یادآوری در حقیقت تشویق بعمل نیک است و

(۴) وافی ج ۳ ر ۶۲

(۵) «یا بنی للمؤمن ثلاث ساعات: ساعة یناجی فیها ربه وساعة ینحسب فیها نفسه و ساعة ینخلو فیها بین نفسه ولذتها فیما یحل ویجمل ویس للمؤمن بدمن ان یکون شاخصاً فی ثلاث: مرمة للمعاش او خطوة لمعاد اولذة فی غیر محرم» (بحار ج ۷۷ ر ۴۰۲)

الهی برای بدکاران فراهم نیست و در آنجا حسابها جدami گردد و مراتب نعمت و عذاب مشخص و مطابق آمادگی روحی و بر معیار تقوا تقسیم می شود (۷).

دنیا با سرعت می گذرد و لحظات خوش و بد آن نیز پشت سر گذارده می شود و در حقیقت این مائیم که می گذریم و بسوی دنیای دیگر گام بگام لحظه به لحظه حرکت می کنیم دنیایی که هنوز نیامده و بحسب ظاهر در بوطه احتمال قرار دارد و لکن توجه باین مسأله مهم لازمست که ما اینک در دنیایی و روزگاری قرار داریم برای اعمال خویش حساب پس نمی دهیم ولی بزودی دنیایی خواهد آمد و روزگاری در پیش داریم که باید حساب اعمال خود را پس بدهیم روزگاری که مجال انجام کاری دیگر فراهم نیست (۸).

از اینرو در برخی از روایات می خوانیم که سعادت و بدبختی هر انسانی تابع عملی است که انجام می دهد چنانکه امام صادق (ع) فرمود: « فان نفسك رهينة بعملك » یعنی « سعادت و شقاوت هر انسانی در گرو اعمال (خوب و یا بدی) است که آنرا انجام می دهد » (۹).

خود دارد که باید از این دنیا تهیه شود و آماده گردد چنانکه چشم و گوش و سایر اعضای ظاهری و قوای باطنی و درونی و مشاعر در عالم رحم مادر مورد نیاز آن مرحله از زندگی نبوده تنها برای عالم بعد از آن عالم مورد لزوم است ولی این نکته دلیل بر این نیست که زندگی این دنیا را باید درویشانه سپری کرد و آنرا بکلی از ارزش و اعتبار انداخت و مسئولیتی قبول نکرد بلکه باید مسئولیت را جدی تر قبول کرد و مجدانه عمل کرد و باید قبول کرد که این دنیا مزرعه دنیای دیگری است و نتیجه اعمال علاوه بر اینکه در زندگی این دنیا مورد بهره برداری است در دنیای دیگر نیز در مدنظر داشت.

رسول اکرم (ص) خطاب باین عباس فرمود: ای مردم، دنیا شمارا از آخرت تان غافل نگرداند پس امیال نفسانی شما در اطاعت پروردگارتان تأثیر سوء نکند و ایمان خودتان را وسیله ارتکاب گناه قرار ندهید و قبل از اینکه بحساب شما در دنیای دیگر رسیدگی شود شما در این دنیا به حساب خودتان برسید و خودتان را برای رفتن بآن دنیا آماده کنید و توشه مسافرت خود را نیز بردارید قبل از اینکه امکان آن از دست شما بیرون رود...» (۶)

این دنیا در حقیقت سفره گسترده ای است، هر فردی از انسانها بلکه هر موجودی بمقدار قدرت بدنی و روحی خود از آن استفاده می کند خواه بدکار باشد و خواه نیکوکار و لکن بعد از این دنیا دیگر مجال استفاده از نعمتهای بیکران

(۸) بحار ج ۷۷ ص ۱۸۸

(۷) ج ۷۷ ص ۱۸۷

(۶) بحار ج ۷۷ ص ۱۸۱

(۹) وافی ج ۳ ر ۶۲